

پیام امام خمینی برای پیشگیری از اعتراضات مطبوعات

حضرت آیت‌الله العظمی خمینی:
از مطبوعات که
ذی‌بار دیکتاتوری
وسانسور فرستند
تشکر میکنم

• مطبوعات به کار آدame
دهند تا تکلیف ملت با دولت
غیر قانونی معلوم شود.

• پیام آیت‌الله العظمی
خمینی به سران کشور
بزرگ غرب

خون
شهدا
آزادی
قلم را
بازگرداند

برای پایان اعتراضات مطبوعات که
ساخت انتشار داده شد در

صفحه ۲

در ۲ ماه گذشته که روزنامه‌ها بعلت سانسور منتشر نشدند
هزاران نفر درتظاهرات سراسر کشور کشته و مجروح شدند

در صفحه ۲۶

کیهان

شنبه ۱۶ دیماه ۱۳۵۷ - ۲ صفر ۱۳۹۸ شماره ۱۰۶۰۵

صفحه ۳
ستون هشت
به مناسبت
عزای ملی:
جبهه ملی دعوت
به اعتراض عمومی کرد

صفحه ۳
ستون هشت
به مناسبت
عزای ملی:
جبهه ملی دعوت
به اعتراض عمومی کرد

برای استراحت
شاه به خارج
میروند

بختیار: اعلیحضرت سلطنت
میکنند، و دولت حکومت

کابینه بختیار معرفی شد

دکتر شاپور بختیار:
ساواک و چند
وزارت خانه
منحل میشود

• امیدوارم آیت‌الله خمینی این
افتخار را بما بدنه که هرچه
زودتر به ایران بازگردند

به اسرائیل و افریقای جنوبی
دیگر نفت نمیفروشیم

هستید، بسی مبنو بسیم...

راستی چند روز است؟ چند روز است که همدمگر را
نیدادهایم؛ چند روز است که نوشته‌ایم و نخواهد باید؛ نه
روزها
گفتند: «شش روز را هم دوام نمایورده».
گفتند: «شش روز را هم دوام نمایورده».
پایدار: «شش روز را هم دوام نمایورده».
شش روز، که نوشته روز را هم دوام اوردیم، حصر اختصاص و
اعتضاد ما، چند روزی بیشتر از شمار روزهای عمر دوست
نظامی بود؛ روزخانه را کو خامه برداد و این نکته برقدرت تاریخ
پیشگار
اکنون دولت دیگر امده است، باعدها و سوگندها، نه
خیل کنید که سوگند را، ساده و ساده باور گردید، که
چون همین بود، باری، و نوشان روشانی است، و طراوی
چون همین بودیم، آری، و تازه نه تمامی تحقیق، بلکه تنشی
نوشته بودیم، آری، کشته بودن، و ما تنها «خسیر» را
پیش کوچی از خسیر، و تازه نه تمامی تحقیق، بلکه تنشی
نوشته بودیم، آری، کشته بودن، و ما تنها «خسیر» را
شب هنگام امده است و باید درست و باران، شبانی
به درازای نوشته روز برای ما اغاز گشت، روزانه، میبدای که
چراگی باشد فرا راه ملت، و ما به سایلان امده است و
نه، تمعن چوکی بودیم، شاد ایندیه، و میبدای که
مگذارید که همان، زیر بار ستم بیداد و استیداد رود که
ستگشکن، سرمهز را از شناسه طاعت فرامان شما
نیاشم
دیگر با اغافز که همین، مینویسیم، تا بدان هنگام که این
بهار ازید، در زمستانی شکوفان قرار از فریاد دیگر، شکفت
است، و اگر این باغ هزار های سرخ هنوز گل دیگر، شکفت
جه: پاکیزه برگاری و شوان از شما بسیار، دیر باده و خوش
دوایی دیگر برسرگار است، اختصاص میبدای که
شما، پایان مینهندیم، و اعتصاب مان تا جاودان زنده است، ها
بیشتر بینش: سانسور، پس از این میگردیم، یک سکن
و این دست داشت، هر کدام را در کنار شما داشتند که قائم
بیشتر بینش: سانسور، پس از این میگردیم، یک سکن
و این دست داشت، هر کدام را در کنار شما داشتند که قائم

راوح مرد گان را، زبان از آتش است: فراتر از
زبان مرد گان!

تی: سی، الیوت

نه خیل کنید که مرد بودم...

پیش‌نیمه: بخوبی تو خود را از خیل بینیم...

به آنان، لیکن نه خیل

در این روز از تبره، که تا شما جاؤند زندگانی، مانیز

بردن، و وزنها را از اداره و زنایم، دست گم چند روزی اند که و با نام و

آن شما، نظمهایم.

و اینکه موضع شما، رو در روی همه اینها، در میان یک

زبان یاک: ما کلمه و کلامی، برخوبی تو خود را از خیل بینیم...

شمام، بخوبی تو خود را از خیل بینیم...

و از خیل، که شده بودم...

که شده بود

